نیمه پنهان کشمیر - ۲۰

سفر به دهلی برای تحصیل در دانشگاه علیگره

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

در اوت ۱۹۹۳ وقتی من امتحانات کلاس دهم را گذراندم پدر بزرگ مرا جهت ثبت‌نام و ادامه تحصیل در دانشگاه «علیگره» که سه ساعت با دهلی فاصله دارد همراهی کرد.

من قرار بود به مدت دو سال در رشته‌های فیزیک، شیمی و ریاضی در مدرسه‌ای که تحت مدیریت دانشگاه علیگره قرار داشت درس بخوانم و پس از آن وارد کالج شده و در رشته علوم اجتماعی که به من کمک می‌کرد در امتحانات خدمات دولتی شرکت کنم ادامه تحصیل دهم. برادرم وجاهت هم دو سال بعد به من ملحق شد.

وقتی می‌خواستم با پدر بزرگ بار سفر را ببندم اعضای خانواده، اقوام، خویشاوندان و همسایه‌ها همگی بیرون از خانه ما را بدرقه کردند.

ما سوار یک تاکسی شده و پس از آنکه چمدان «وی.آی.پی» رنگ بِژ را داخلی آنجا دادیم حرکت کردیم.

احساس بد و ناراحت‌کننده‌ای نداشتم، نمی‌دانستم چقدر طول خواهد کشید تا دوباره به خانه برگردم.

از آن به بعد هرحرکت، عزیمت و رفتنی برای من ادامه آن لحظه بوده است. اتوبوس ایالتی در یک بزرگراه از میان رشته کوه‌های بلند «زبروان» و دره‌های عمیق که کشمیر را به دشت‌های شمال هند متصل می‌کند عبور می‌کرد. اتوبوس وسط‌های راه در مجتمع بین راهی برای صرف نهار توقف کرد.

هتل‌هایی با اسامی عجیب و غریب در آنجا بود، هتل هندو، هتل سیک، هتل مسلمان، ما ناهار را در هتل مسلمان خوردیم پس از یک روز مسافرت ما به نزدیک‌ترین ایستگاه راه آهن در جامو رسیدیم.

قبلا سوار قطار نشده بودم هیچ راه‌آهنی از هند به کشمیر وجود ندارد.

همچنان‌که ما به ایستگاه راه آهن که با آجرهای سرخ‌رنگ ساخته شده است نزدیک می‌شدیم خورشید نارنجی‌فام متمایل به سرخی در دشت‌های هموار در دور دست‌ها در حال غروب بود.

باربرها با پیراهن‌ها، شلوارهای خاکی و پیشبندهای قرمز با دیدن ما با هم پچ‌پچ می‌کردند، سکوها مملو از شلوغی سر و صدا و تردد مسافران بود جوانان پرشور، زنان میانسال همراه با شوهرانشان در حالی‌که چمدان‌ها و ساک‌ها را در دستشان داشتند و قوم خویش‌هایی که برای بدرقه آنها آمده بودند در میان جمعیت دیده می‌شدند.

دستفروشان با لیوان‌های چای و قهوه به‌دنبال مشتری این طرف و آن طرف می‌رفتند و فریاد می‌زدند: «چای گرم»، «چای گرم». ناگهان یک صدای تو دماغی با انگلیسی شکسته از بلندگوی ایستگاه از مسافران به‌خاطر تاخیر ۱۰ ساعته در حرکت قطار و دردسرهای ایجاد شده عذرخواهی کرد. ۱۰ ساعت!

قطار آلبالویی‌رنگ ما به راه افتاد و ما وارد کوپه خودمان شدیم، پدر بزرگ به من گفت قطار درجه‌بندی شده است و کوپه‌های مختلفی دارد.

گران‌ترین و ممتازترین کوپه کولر داشت که فقط ثروتمندان از پس قیمت‌هایش برمی‌آمدند پس از آن کوپه درجه یک بود که قیمتش کمی ارزان‌تر بود پس از آن کوپه تخت‌دار بود که ما بلیطش را تهیه کرده بودیم. کوپه تختدار در واقع یک گرمخانه پر ازدحام بود. هر بخش کوپه ۳ تختِ تاشو داشت که روبه‌روی هم قرار داشتند و دو تا دیگر در بین راهرو قرار داشتند.

ما در دو صندلی رِزرو شده خود نشستیم و چند دقیقه بعد من اولین مسافرتم با قطار را آغاز کردم. همه چیز از ایستگاه گرفته تا صندلی‌هایِ تاشو قطار، تا مردم دور و برم برایم متفاوت بودند.

من از نابلدی و دست‌وپاچلفتی بودن خودم نسبت به چیزهای ساده‌ای مثل بستن پنجره قطار تا تاکردن صندلی تاشو عصبی شده و حرص می‌خوردم. هوا واقعا خشن و بی‌رحم و در عین حال سوزان و شرجی شده بود به طوری که پیراهنم از فرط عرق کردن به بدنم چسبیده بود. احساس می‌کردم صورتم دارد می‌سوزد.

لب‌های پدربزرگ به قدری خشک شده بود که من می‌توانستم لایه‌ای از نمک را روی آن ببینم اما گرمای هوا پس از آنکه قطار «شالیمار اکسپرس» ایستگاه را ترک کرد قابل تحمل‌تر شد.

یکی از دوستانم قبلا به من گفته بود «تو می‌توانی در قطار چای بنوشی بدون اینکه فنجان چای در دستت بلرزد». من این کار را کردم و او درست می‌گفت.

پس از چند ساعت طی مسیر شالیمار اکسپرس به ایالت پنجاب رسید. دو سرباز وارد کوپه ما شدند، سربازان هم مثل ما ۱۲ ساعت مسیر کشمیر تا جامو را از میان کوه‌ها طی کرده بودند. ما همچنین ۱۴ ساعت دیگر داشتیم تا به دهلی‌نو برسیم.

من قرار بود به مدت دو سال در رشته‌های فیزیک، شیمی و ریاضی در مدرسه‌ای که تحت مدیریت دانشگاه علیگره قرار داشت درس بخوانم و پس از آن وارد کالج شده و در رشته علوم اجتماعی که به من کمک می‌کرد در امتحانات خدمات دولتی شرکت کنم ادامه تحصیل دهم. برادرم وجاهت هم دو سال بعد به من ملحق شد.

سربازان خندیدند و ساکشان را در راهرو انداختند. یکی از آنها از مرد میانسالی که سرگرم خواندن روزنامه بود پرسید: آیا برای شما امکان دارد کمی جا برای ما باز کنید؟ ما پس از یک سال خدمت در کشمیر به خانه بَرمی‌گردیم و نتوانستیم بلیط رزرو کنیم.

آن مرد از جایش جُم نخورد، سرباز دوباره درخواستش را تکرار کرد.

در حالی که من سر جایم پیچ و تاب می‌خوردم یکی دیگر از مسافران به کَف کثیف راهرو اشاره کرد و به آن سرباز گفت: می‌توانی آنجا بنشینی.

من یِکه خوردم، پدربزرگ و من از تعجب به همدیگر نگاه می‌کردیم. برخلاف مردم ما در کشمیر مسافران شمال هند هیچ دلیلی نداشتند که از سربازان هراسی داشته باشند، آنها دستور می‌دادند و سربازان اطاعت می‌کردند.

پس از مدتی سر و کله بازرس بلیط پیدا شد. او یک پیراهن سفید و کت و شلوار مشکی به تن داشت.

روی کت او نشان استیلی وجود داشت که نامش همراه با سِمتش روی آن درج شده بود. او خطاب به سربازان گفت: این‌جا چکار می‌کنید؟

آنها گفتند: آقا، جایی در کوپه‌های دیگر نبود، مجبور شدیم این‌جا بیاییم.

آنها التماس‌کُنان گفتند: لطفا جایی برای ما دست و پا کنید.

بازرس بلیط از سربازان خواست آنجا را ترک کنند، متعاقباً همه سربازان به‌دنبال او به راه افتادند، چند دقیقه بعد آنها برگشتند و خودشان را در کف کوپه پهن کردند.

یکی از مسافران پرسید: چقدر از شما پول گرفتند؟

- ۵۰ روپیه.

برخی از مسافران خندیدند و راجع به فساد صحبت کردند.

یکی از آنها که روزنامه می‌خواند گفت: خب؛ می‌دونی، این‌جا هند دیگه.

ما صبح به دهلی رسیدیم و تا عصر نزدیک شهر علیگره بودیم.

من زاغه‌نشین‌ها، مناطق صنعتی، مزارع خالی، محلات کثیف و پست و روستاهای بسیاری دیدم، در کنار خطوط راه آهن زنان با لباس‌های محلی در حال ساختن آجرهای گِلی زیر آفتاب تفیده بودند.

دو ساعت بعد ما در حال قدم‌زدن در ایستگاه راه‌آهن علیگره بودیم.

بیرون ایستگاه هیچ تاکسی یا اتوبوس محلی نبود اما صدها سه‌چرخه‌ای موسوم به «ریکشا» بودند که توسط مردان لاغراندامی با پدال زدن حرکت می‌کردند.

پدر بزرگ اکراه داشت سوار وسیله‌ای شود که توسط یک انسان دیگر با بار و بندیل کشیده می‌شود.

او مدام تکرار می‌کرد فقر این‌جا بیداد می‌کند از این رو او دو برابر کرایه معمول به «ریکشا والا» پرداخت کرد. فقر در کشمیر تا این حد ملموس نیست.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۹۲

همکاری سیا و MI۶ برای ایجاد یک مجله جدید ضد کمونیسم

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

سرویس اطلاعاتی بریتانیا (MI۶) و CIA مستقل از همدیگر ایده ایجاد یک مجله جدید را که بتواند به کسری احساس شده در بانک روشنفکری ضدکمونیسم بپردازد، سبک و سنگین می‌کردند. این موازی کاری در طول مجموعه جلساتی که با ابتکار فرانک ویزنر در لندن در اوایل ۱۹۵۱ برگزار شد، بر همگان عیان گردید.

ویزنر با همراهی رابط CIA - MI ۶ مستقر در واشنگتن، کیم فیلبی (که دوستانش برگِس و مکلین هنوز ماه‌ها از فرار خود به شوروی فاصله داشتند [آن‌ها جاسوس شوروی بودند و بعد از فرار آن‌ها، سوءظن‌ها به سمت کیم فیلبی رفت که نهایتا او هم در سال ۱۹۶۳ به شوروی فرار کرد[1]) به لندن سفر کرده بود تا با سرویس اطلاعاتی بریتانیا در مورد مسائل مشترک‌المنافع صحبت کنند. به گفته فیلبی در طول سلسله جلساتی که توسط MI ۶ و وزارت خارجه برگزار می‌شد، ویزنر «یکی از موضوعات مورد علاقه خود را شرح داد: نیاز برای پنهان نگه داشتن منبع بودجه‌های مخفی عرضه شده به اعضای ظاهرا محترمی که ما به آن‌ها علاقه‌مند بودیم. ویزنر با زبان بدون تشریفات همیشگی خود گفت: ضروری است که همکاری‌های آشکاری با مردمی که با تلاش خود دسترسی چشمگیری به ثروت دارند، انجام دهیم». در این هنگام دیدن یادداشت‌برداری

همان طور که فایول به خوبی می‌دانست دلیل واضح جدا نگه داشتن مجله از کنگره این بود که دولت آمریکا می‌خواست فعالیت‌های تبلیغاتی در بریتانیا انجام ندهد.

سازمان سیا عملا ارسال پول به آن کشور را به حالت تعلیق درآورد. [چرا که] مقامات عالی [دو کشور] روی این موضوع به توافق رسیدند. اما این رویه در حال تغییر بود.

یکی از مقامات وزارت خارجه [از سخنان ویزنر] که نوشته بود «مردمی که با تلاش خود دسترسی چشمگیری به ثروت دارند = مردم ثروتمند» برای فیلبی جالب بود.

در جریان «مأموریت» ویزنر بود که مسئله چاپ نشریه سطح بالا با هدف تشویق چپ‌گرایان به ادبیاتی عاری از دستور زبان کرملین مطرح شد. هر دو سرویس دریافتند که ایده یکسانی را دنبال می‌کرده‌اند. ویزنر و همتای او در سرویس اطلاعات مخفی (SIS)) هم نظر بودند که [ادامه] این روند، احمقانه خواهد بود و بر سر یک عملیات مشترک به توافق رسیدند. در اواخر سال ۱۹۵۱ این پیشنهاد مشترک در بالاترین سطوح تصویب شد و اکنون بدون هیچ مانعی آماده اجرا بود.

فیلبی کار را به دستیار خود در واشنگتن جان بروس لاکهارت، برادرزاده رابرت بروس لاکهارت بزرگ، (فرمانده اطلاعاتی هر دو جنگ که در سال ۱۹۱۷ به جرم جاسوسی توسط شوروی بازداشت و در کرملین زندانی شد)، سپرد.

با محو شدن ستاره عمویش، لاکهارت جوان‌تر خودش را به عنوان یک افسر اطلاعاتی نمونه معرفی کرد و رشته امور را به‌دست گرفت. او در طول جنگ، هدایت شاخه نظامی سی (SIS) در ایتالیا را بر عهده داشت و متخصص نفوذ در سازمان‌های کمونیستی در اروپا بود. لاکهارت در واشنگتن، جایی که رابطه نزدیکی با فرانک ویزنر برقرار کرده بود، بسیار مورد احترام قرار داشت. هنگامی که فرانک ویزنر می‌خواست پسرش فرانک جونیور را به راگبی کالج ببرد، لاکهارت که در آنجا تحصیل کرده بود، با خوشحالی این کار را ترتیب داد. ویزنر به لاکهارت اعتماد داشت اما اعتمادی به فیلبی نداشت. فیلبی هم قادر نبود تنفر خود از ویزنر را سرکوب کند و با زبانی تخریب‌آمیز، او را به عنوان «مرد جوان و خودمهم‌پنداری که به خاطر مسئولیت‌پذیری بسیار در کار، روزبه‌روز کچل‌تر و چاق‌تر می‌شود» توصیف کرد.

جان بروس لاکهارت همچنین رابطه خوبی با لورنس دونوفویل که پس از جنگ در آلمان با او ارتباط برقرار کرده بود، داشت. اکنون این لاکهارت بود که برای دونوفویل و جوسلسون جلسه‌ای با کریستوفر مونتی وودهاوس[2] از واحد اطلاعات تحقیقات، در لندن ترتیب می‌داد. لاکهارت مردی سرشار از نبوغ بود. او در یازده‌سالگی با نوشته‌های اوریپیدیس و لوکریتیوس آشنا شد و قبل از جنگ در نیوکالج و آکسفورد توسط ریچارد کراسمن و آیزایا برلین (شخصی که در آموزش‌ها «صدایی جدی و بم» به کار می‌برد و «به عنوان تنها فردی که در آکسفورد می‌توانست واژه اپیستمالاجیکال[3] را تک‌هجایی تلفظ کند، شناخته می‌شد») آموزش دیده بود.

سرویس اطلاعاتی بریتانیا (MI۶) و CIA مستقل از همدیگر ایده ایجاد یک مجله جدید را که بتواند به کسری احساس شده در بانک روشنفکری ضدکمونیسم بپردازد، سبک و سنگین می‌کردند. این موازی‌کاری در طول مجموعه جلساتی که با ابتکار فرانک ویزنر در لندن در اوایل ۱۹۵۱ برگزار شد، بر همگان عیان گردید.

پانوشت‌ها:

۱- فیلبی، برگس و مکلین عضو گروه پنج نفره کمبریج فایو بودند. کمبریج فایو حلقه‌ای بود که در طول جنگ جهانی دوم و جنگ سرد اطلاعات را از بریتانیا به شوروی منتقل می‌کرد و از دهه ۱۹۳۰ تا حداقل اوایل دهه ۱۹۵۰ فعال بود.

۲- وودهاوس از سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰ خورشیدی) تا ۱۹۵۲ در سفارت بریتانیا در تهران خدمت و یکی از نقش‌های اصلی (مسئولیت و فرماندهی عملیات چکمه) را در سازماندهی کودتای ۲۸ مرداد که منجر به سرنگونی دولت محمد مصدق شد، ایفا کرد.

۳- Epistemological: معرفت‌شناسی

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲
۳۳۱۱۳۵۱۹
۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز		جنوب		شمال		شرق - غرب	
۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳	سعدی	۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱	قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵	شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱	شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴	شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶		۶۵۲۲۲۹۳۳
۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵	اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳	مطهری	۸۸۸۰۱۵۵۲ - ۸۸۹۰۰۸۶۷	کرج	۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰	چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸	شهرآرا	۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱ ۶۶۵۹۲۲۶۶	دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور - چمستان
(۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (باسند)
همه قیمت موجود می‌باشد
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید - فروش - رهن - اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا - لکسوس (بازار)
۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰ - ۳۳۹۹۰۰۱۷

گوناگون

فروش پرورش ماهی ۱۵۰تنی ۱۰۰ لیتر در ثانیه آب چاه قابل شرب ۴۰۰ آمپر برق ۱۰۰کیلومتری تهران امکان تهاتر دارد سند تک برگ
۰۹۱۹۲۱۰۰۰۹۸

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.

- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت - اسپیلت - هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

ایزوگام - قیرگونی آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

مخاطب محترم خانم عهدیه ذالی به اطلاع می‌رساند همسر شما آقای مهدی فضل‌الهی جهت اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۳-۱۱۵۳۳۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۷/۳۰ شعبه ۲۵۷ دادگاه خانواده یک تهران لذا به شما اخطار می‌گردد جهت جاری شدن صیغه طلاق و امضای اوراق و ارائه گواهی بارداری ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی در دفتر طلاق ۳۵ تهران واقع در تهران یاخچی‌آباد خیابان بهمن‌یار ساختمان اداری مفرح ورودی ۲ واحد ۴ مراجعه نمایید. در صورت عدم حضور در موعد مقرر برابر مقررات اقدام خواهد شد.
سیدحسین سیدی‌ثانی
دفتر طلاق ۳۵ تهران

جناب آقای روح‌الله محمدی در اجرای دادنامه شماره ۹۸۵۹۳۲۶ مورخه ۱۴۰۳/۶/۲۵ قطعیت دادنامه به شماره نامه: ۳۵۹۲۹۰۱۵ مورخه ۱۴۰۳/۱۱/۳ صادره از شعبه ۶ دادگاه خانواده شهری در خصوص طلاق خانم مهتاب محمدی به شما اخطار می‌گردد ظرف مهلت یک هفته پس از رویت اخطاریه به این دفترخانه مراجعه نمایید در غیراین‌صورت طبق دستور قاضی محترم طلاق ثبت می‌گردد.
آدرس: شهرری خ ۲۴ متری رازی- کوچه مسلم بن عقیل پ ۸۱ دفتر رسمی ازدواج ۴۴ و طلاق ۲۱ شهری
سردفتر طلاق ۲۱ شهری
حسین اسحاقی

آگهی‌های مفقودی

(نوبت دوم)
دانشنامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی ناپیوسته اینجانب بابک خلیفه فرزند بهروز به شماره شناسنامه ۱۴۵۲ صادره از ماهشهر در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک طراحی جامدات صادره از واحد دانشگاهی مرودشت با شماره تایید سازمان مرکزی ۱۳۸۹۱۹۸۰۱۲۷۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت به نشانی کیلومتر ۳ بلوار تخت جمشید دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت ارسال نمایند. (شهر شیراز)

برگ سبز(شناسنامه) مالکیت پژو GLX۴۰۵ برنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ۱۸۵ ی ۵۹- ایران ۲۲ و شماره موتور ۱۳۹۹۰۰۱۳۴۶۶ و شماره شاسی NAAM۳۱FC۶CK۳۵۳۱۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت اول
مدرک تحصیلی اینجانب فرانک حسن‌زاده فطر فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۳۶۰۶۲۱۰۸۳ صادره از تبریز شماره ملی ۱۳۶۰۶۲۱۰۸۳ در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته تربیت مربی تکواندو صادره از واحد دانشگاهی فرهنگ و هنر واحد ۲۳ تهران مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه جامع علمی کاربردی به نشانی خیابان انقلاب بین حافظ و نجات‌الهی پلاک ۶۸۳ ارسال نمایند.

سند مالکیت پیکان به شماره انتظامی ۹۱۹ د ۷۸ ایران ۷۸ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۶۴۱۵۲ و شماره شاسی ۷۶۴۶۷۴۸۸ مدل ۷۶ به رنگ سفید به نام ماشااله زاهدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پرایدمدل۱۳۹۳ شماره انتظامی ۵۵۳ج۹۶ ایران۸۹ شماره موتور۵۲۰۶۳۴۲ شماره شاسی E۱۱۶۵۲۲۱۹ ۴۲۱۱۰۰بنام فاطمه شیخ مفقودواز درجه اعتبار ساقط میباشد. بویین زهرا

کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶-SD مدل ۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۲۲۷ ق ۵۴- ایران ۶۸ به شماره موتور ۱۳۳۸۷۰۰۴۲۲۴ به شماره شاسی NAAP۴۱FD۸۹J۲۵۴۱۴۱ به مالکیت محمد خوشیده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (کرج)

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو سواری کار فائو CA۶۵۰۰CE(FAW) به شماره پلاک ۹۲۳ ص ۹۶- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۹ و شماره موتور SHD۳۴۹۵ و شماره شاسی LFB۰F۴۳۸۰۹۵J۰۱۲۲۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پیکان وانت مدل۱۳۹۰ شماره انتظامی ۲۶۳ج۴۹ ایران۸۹ شماره موتور ۱۱۴۹۰۰۲۴۸۱۰ شماره شاسی NAAA۴۶AA۶BG۲۰۱۱۴۰ بنام مرتضی چارلی ایناتلو مفقودوازدرجه ساقط میباشد. بویین زهرا

برگ سبز سواری سیستم SAMAND تیپ SOREN+XU۷P مدل ۱۴۰۳ رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۵K۰۳۳۳۵۷۸ و شماره شاسی NAACV۱HLFRBD۷۲۵۴۶ و شماره پلاک ۷۲۸ ص۵۸ ایران ۹۸ بنام احمدرضا ناصرنیا مفقودوازدرجه اعتبار ساقط است.شوشتر

برگ سبز خودرو کامیون کشنده ولوو افاچ ۱۲ به شماره پلاک ۵۸۹ ع ۶۵- ایران ۲۴ به شماره پلاک ۵۸۹ ع ۶۵- ایران ۲۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ و شماره موتور ۵۲۹۲۷۱ و شماره شاسی YV۲AN۶۰DX۵T۸۶۴۲۴۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری هاچبک(پانوراما) پژو ۲۰۷iTU۵ به شماره پلاک ۶۳۵ ق ۱۶- ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۳ و شماره موتور ۱۷۲B۰۲۵۸۶۴۵ و شماره شاسی NAAR۰۳HFFRDF۶۳۴۶۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پراید مدل ۸۳ به شماره انتظامی ۳۲۳ ن ۹۶ ایران ۴۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۳۰۸۶۹۳ و شماره موتور ۰۰۹۱۶۸۵۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است (بروجرد)

سند کمپانی خودرو سواری پیکان به رنگ سفیدمدل ۱۳۸۱ به شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۸۲۳۲۰ و شماره شاسی ۸۱۵۸۴۲۹۶ ۰۰به شماره پلاک ۲۵۹ب۵۹ایران ۴۷به نام آقای حسن حیدری به کد ملی ۰۵۳۳۷۴۰۵۲۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است .(اراک)

برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت دلتا ۱۲۵CC به شماره پلاک ۴۲۴۷۸-۵۶۸ به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۰۱۲۵NC۵۰۲۰۳۸۱ و شماره شاسی NC۵***۱۲۵D۹۳۲۶۴۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سند سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت(کلیه مدارک) آپاچی ۱۸۰سی‌سی مدل ۱۳۹۳ به رنگ قرمز زرشکی به شماره موتور ۰E۶FE۲۰۲۹۱۰۴ به شماره شاسی ۱۸۰P۹۳۲۰۶۲۱ به شماره پلاک ۳۹۱۸۵ ایران ۱۲۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو وانت نیسان زامیاد دوگانه سوز مدل ۱۴۰۱ شماره انتظامی ۶۴۵ ط ۷۹ ایران ۳۱ به شماره موتور M۲۴۸۸۳۰۵۳M و شماره شاسی NAZPL۱۴۰BN۰۶۵۷۷۳۰ بنام علی رمضانی کیا شماره ملی ۵۲۸۹۹۴۰۲۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (لرستان)

برگ سبز (سند مالکیت) سواری سیتروئن تیپ زانتیاSX مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۵۱۵ ۳۲۲ ایران ۴۳ و شماره موتور ۰۰۶۸۷۱ وشماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۷۱۶۶۷۳۱ به نام سید حسین موسوی پور به کد ملی۴۶۸۰۱۷۸۹۹۱ مفقود شده اعتبارندارد .زرین شهر

برگ سبز و کارت مشخصات موتورسیکلت کبیر به شماره پلاک ۵۶۹/۷۹۱۶۷ به رنگ قرمز گوجه‌ای مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور ۰۱۲۴NCV۲۰۲۷۰۹ و شماره شاسی NCV۱۲۵P۹۵۵۳۰۳۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که مهر موسسه خیریه صنف الکتریک تهران به شماره ثبت ۳۴۱۵۲ از تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱ مفقود گردیده و فاقداعتبار است.

کارت سوخت- کارت ماشین -برگ سبز - سندکمپانی کامیونت ون سیستم نیسان تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور۱ ۳۶۴۳۶وشماره شاسی ۰۵۱۱۲۰ j و شماره پلاک ۱۴ ایران ۸۹۸ د ۴۱به نام فریده خلف پور زباری به شماره ملی ۱۷۵۳۳۶۹۱۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد(مسجدسلیمان)

برگ سبز سواری هاچ بک ۲۰۶ به شماره موتور ۱۶۷B۰۰۴۹۶۰۸ و شماره شاسی NAAP۱۳FEXJJ۶۹۱۷۵۳ و شماره پلاک ۵۸ایران ۳۹b۵۶۵ به نام سمیه احمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. بوشهر

اسامی ۵ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام مستعار کودک: ماهک

تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان بهارستان

نام مستعار کودک: دلارا

تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: سپیده

تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی رباط کریم

نام مستعار کودک: پادینا
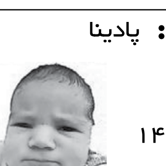
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲
ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای پاکدشت

نام مستعار کودک: مبین

تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
ارجاع دهنده: بیمارستان آرش

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	ـــــ	ـــــ

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: .... نام خانوادگی: .... نوع نشریه: .... تعداد نسخه............ مدت............ ماه
مبلغ پرداختی: .... ریال شماره فیش بانکی: .... تلفن: .... تلفن همراه: ....
آدرس: ....
کد پستی: .... پست الکترونیکی: ....

شماره اشتراک: ....

تلفن: ۰۲۱-۳۵۲۰۲۲۷۸ نمابر: ۰۲۱-۳۳۹۱۰۹۲۲
امور مشترکین موسسه کیهان